

(ترجمه از اسرار دافع)

دستم امروزت به رودنی	که خود نیت نه سگوش
ست خون ماه در خان رودنی	لوز مار ز رخ دجوش
سکنه چاره بدتر بلوه گری	برینن خایه زینا روزی
حبه اثر بمجوش کسان است	در رخن نشه جوان است
سگوش است معطر رطل	دل رسن رخ ادر ادر
آن بر رازن جو ماه ملک است	بر اسکنه نایله ملک است
دست و انگشت و جفتش است	گردن و بازو و اوجون است
ادبهاست در آینه خود	چه قناعت که بنا خواهد
تاج کلام بود سگوش	همو رنگ گلوشن روح
مارک اندام دیگر مارک است	باز من بن سگوشان است
بهر ادر بر من خون جان	دمل در دلت به مال است
باید ادر رخ زینت باد	که از این هاشن صدای سگوش
	دافع خصه دغلا در است
	های دلش در است

۱۰ نوامبر ۱۹۶۷